



به مناسبت مبعث آخرین

## برای عزیز خدا

رفت که همه احساس می کردند یک مسیر درست همیشگی است که دور شدن از آن پشت پا زدن به همه ی رسوم ابا اجدادی است، وقتی پسر عبدالله در ۱۴۰۰ سال پیش به بعثت رسید بودند مردمانی که با بصیرتی فراتر از آن روز جرعه جرعه کلام تازه اش را نپوشیدند، کلامی که بزودی آنچنان گستردگی یافت که چهار گوشه عالم آنروز را فرا گرفت.

پس از غفلتی تاریخی - که ناگریزش می دانیم در انبوه حجه های اطلاعاتی- اکنون زمانه رجعت است به سوی تفکری که هیچ وقت بوی کهنگی نمی گیرد، تفکری که تازه اروپای چند دهه در خواب فرو رفته را به هشیاری می رساند، شاید به همین خاطر است که آدم هایی از جنس همان مشرکان مکه با ترس تفکری رحمانی را می نگرند که در حال تسخیر دل هاست.

ما تا همیشه صاحب بزرگترین اسطوره های تاریخیم.

تا همیشه طلوع رحمت رحمانی مبارک.

ندارد، یکجور اسطوره سازی کاذب، یکجور جعل عنوان و یکجور پز دادن با چیزی که متعلق به تو نیست.

شاید به همین خاطر است که کم کم در هزاره سوم رجوع کردند به نهضت اسطوره سازی و حالا که پای رسانه هم به میان آمده بود به راحتی می شد مانور داد روی هر کسی و او را اسطوره عالم و آدم کرد، این شد که خواننده و بازیگرها و نوازنده ها و ورزشکاران و .... شدند اسطوره نسل جدید دویست و چند کشور تازه به وجود آمده ی دیروز و امروزی، چیزی که می شود نام هویت سازی را بر آن گذاشت، چیزی که ما اصلا به آن احساس نیاز نمی کردیم اما نمی دانم چگونه شد که ما هم قاطی این موج اسطوره سازی و دست و پا کردن عنوان و هویت و تاریخ شدیم.

غافل از اینکه خودمان در طول چند هزار ساله اخیر آنقدر اسطوره داشته ایم که بخش عظیمی از آنها همین حالا توسط کشورهای ریز و درشت اطراف در حال سرقت هستند.

\*\*\*

مهربانی در ۱۴۰۰ سال پیش خلاف جریان را

یک وقت هایی هست که آدم آنقدر غرق شده در جایی که هیچ چیز را به جز آن فضایی که در آن قرار دارد را نمی بیند درست مثل ماهی گرفتار شده در آب که جز آب و دریا هیچ چیز نمی بیند. می گویند آدم هایی که در حوالی کویر زندگی می کنند آدم های قانعی هستند که قدر یک چکه آب را هم می دانند چه برسد به نعمت های فراوان دیگر را، درست برخلاف آدم های مناطق دیگر که آنقدر وفور و فراوانی را تجربه کرده اند که هیچ چیز و هیچ کس را نمی دانند.

حکایت ما و اسطوره هایمان هم شاید شبیه همین مردم دو زاد بوم باشد، مایی که آنقدر اسطوره ملی و مذهبی داریم که شده ایم عین همان آدم های برخوردار، بعد بی توجه می شویم به همه ی آنچه داریم.

تمام دنیای غرب - از اروپا تا قاره ی نوبی آمریکا- افتخارشان تمدن نیم بند و دست و پا شکسته روم و یونان است، چیزی در دو هزار سال پیش که شاید اصلا هیچ ربطی به مثلا یک اسپانیایی یا آمریکایی نداشته باشد ولی همه و همه خودشان را مفتخر می کنند به چیزی که هیچ تعلق به آنها